

## تبیین عدالت بین نسلی: تبیین واحد بین المللی پول (ژول): مالکیت عمومی نهاد بانک)

### مالکیت تمام نسل ها)

## چکیده

عدالت همواره در حوزه های گوناگون معارف بشری به صورت مسأله ای اساسی مورد توجه بوده است. در ادبیات توسعه اقتصادی نیز این مقوله نفیاً و اثباتاً اهمیت داشته و داستان سازگاری و نیز ناهمخوانی آن با توسعه اقتصادی بخش قابل توجهی از ادبیات توسعه را در سده اخیر به خود اختصاص داده است. این وضعیت به نسل های دیگر نیز سرایت کرده و مسأله عدالت از درون یک نسل به عدالت بین نسلها کشیده شده است. نظریه های عدالت به هنگام ترسیم مقتضیات عدالت، ناگزیر نگاهشان به آینده است. دغدغه های بین نسلی که در پی معضلات زیست محیطی و تخلیه منابع طبیعی روزافزون شده است، مسائل جدیدی را طرح کرده که شامل قلمرو، الگو و معیار عدالت بین نسلی است. توسعه ای پایدار فرآیندی است که آینده ای مطلوب را برای جوامع بشری متصور می شود که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، بدون آسیب رساندن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام های حیاتی، نیازهای انسان را برطرف می سازد. در این تحقیق قرار است الگویی جهت عدالت بین نسلی و نیز توسعه ای پایدار تبیین شود. در صورتی که نظریه ی مبادله در علم اقتصاد به طور دقیق تبیین و اجرا گردد آن گاه این امر قابل حصول است. زیرا پایه و اساس علم اقتصاد مبادله است. وجود پول هم برای فرایند مبادله ضروری است. پول در علم اقتصاد برای فرایند مبادله طراحی شده است. مبادله یعنی انتقال همزمان دو ارزش (مبادله ی کالا به کالا). اما با وجود پول مبادله به فرایند مبادله تبدیل می شود. توجه به مبادله و فرایند مبادله در بحث بسیار مهم است. زیرا در فرایند مبادله با وجود پول فقط یک ارزش انتقال می یابد. حال می توان ویژگی های پول را در فرایند مبادله به صورت زیر بیان نمود: ۱- پول یک قرار داد اجتماعی است. ۲- ارزش پول در طی فرایند مبادله ارزش حقوقی است (پول به عنوان مفهوم حقوقی). ۳- مالکیت پول در طی فرایند مبادله عمومی است (به خاطر سرعت گردش پول). در نتیجه می توان گفت: پول در علم اقتصاد به عنوان نهاد عمومی عمل می کند. حال لازم است فناوری پول در طی زمان (برای نسل های فعلی و آتی) طوری طراحی شود که ارزش این نهاد عمومی در طی زمان ثابت بماند. راه حل این کار تشکیل منبع عمومی (نهاد بانک) از نهاد عمومی پول می باشد. به طوری که مالکیت این منبع عمومی متعلق به تمامی نسل هاست. در نتیجه تقاضای عاملین اقتصادی برای تامین مالی پول از منبع فقط و فقط به صورت عقد قرض الحسنه است. در صورتی که برای پول بازار تعریف شود حقوق نسل های آتی مورد خدشه قرار می گیرد. نتیجه ی این خدشه به صورت تخریب محیط زیست و عدم حصول رشد پایدار اقتصادی است. به عبارتی لازم و واجب است که مالکیت پول در علم اقتصاد به صورت عمومی یعنی متعلق به تمامی نسل ها در نظر گرفته شود. البته در این تحقیق واحد بین المللی پول تحت عنوان ژول نیز تبیین می شود. به طوری که ارزش این واحد پول در طی زمان برای تمامی نسل ها ثابت است. به عبارتی قیمت ها در علم اقتصاد از نسبی به مطلق تبدیل می شوند.

**کلمات کلیدی: ارزش، پایداری، پول، ژول، حقوق مالکیت، قیمت مطلق، عدالت**

**بین نسلی، مالکیت عمومی و نسل**

## مقدمه

هرچند مباحث مربوط به عدالت، پیشینه ای به وسعت تاریخ اندیشه دارد، مباحث مربوط به عدالت میان نسل ها و به ویژه حقوق نسل های آتی، سابقه اندکی دارد. اوج مباحث عدالت، پس از انتشار اثر راولز در دهه هفتاد و هشتاد میلادی، تنها یک (با وجود این امروزه Partridge, 1980: 62 رساله دکتری در ایالات متحده است که دغدغه آیندگان جزء مسائل آن باشد) این مباحث نه تنها در مباحث دانشگاهی، بلکه در مباحث روزمره سیاستمداران و تشکل های مردم نهاد و جوانان نیز به وفور مشاهده می شود و استفاده از آن در بررسی سیاست های گوناگون به امری معمول تبدیل شده است.

البته نظریه های عدالتی که صرفاً درباره وضعیت کنونی شهروندان یک جامعه ملی یا جهانی اظهار نظر می نمایند نیز هنگامی که خواهان تغییرات در وضعیت کنونی باشند، عملاً نگاهی به آینده دارند؛ زیرا وضعیت عادلانه ای را که توصیف می کنند، در (Tremmel, 2006: 2. آینده محقق خواهد شد. از این رو بهره اساسی آن برای آیندگان است.

این امری است که کانت نیز به آن اشاره می کند و می گوید: البته عجیب است که به نظر می رسد نسل های کهن سال تر همواره به خاطر نسل های جوان تر، دل مشغولی ایجاد سازوکاری را دارند که آنها در مسیر طبیعت یک گام به پیش بنهند و تنها آخرین نسل است که می تواند از بخت زندگی در چنان محیطی بهره مند گردد؛ منزلگاهی که سلسله ای از پیشینیان آن را ساخته اند، با اینکه قادر به مشارکت در لذت آن نبوده اند. مکاتب فکری مختلف درباره آنچه به نسل های آتی مدیونیم، نظریه های متفاوتی را ارائه داده اند و بر اساس آن سیاست های مختلفی را در حوزه های متنوعی مانند محیط زیست، پایداری اقتصاد و نیز بهره برداری از منابع طبیعی توصیه می کنند. بنابراین شناخت دقیق سیاست های ناظر به آینده در گروهی تبیین دقیق نظری مسائل عدالت بین نسلی است.

توجه به عدالت بین نسلی به ویژه معطوف به نسل های آینده در پی تغییرات عمده آب و هوایی و نیز مخاطرات زیست محیطی ناشی از فعالیت های صنعتی در دوره های اخیر، رشد روزافزونی را تجربه کرده است (فراهانی فرد). این دغدغه ها موجب توجه بیشتر به حقوق محیط زیست و حقوق آیندگان شده است و مفاهیم جدیدی در سپهر سیاست، اقتصاد و حقوق متولد شده که از جمله این مفاهیم، توسعه پایدار و مسائل عدالت بین نسلی است.

دورکین معتقد است که توزیع منابع در اقتصاد باید نسبت به علایق و خواسته های افراد حساس باشد. به عبارت دیگر بر اساس اصل احترام به مسئولیت اخلاقی افراد درباره زندگی های شخصی خود، توزیع منابع باید به نحوی باشد که میزان اهمیت منبع برای فرد و جامعه را نشان دهد. از این رو برای رعایت این اصول، بازار در محور نظریه عدالت قرار می گیرد (ندری، ۱۳۸۷: ۵)؛ زیرا بازار حراج، ثروت فرد را در عین اینکه تابعی از خواست خود اوست، تابعی از خواست همگانی قرار می دهد و از این طریق اهمیت یکسانی به سرنوشت همگان داده می شود. به علاوه اصل دوم عدالت نیز رعایت می شود، زیرا هر فرد در بازار حراج، پیشنهادهایش را بر اساس ارزشها و خواست ههای خود از زندگی ارائه میدهد و مسئولیت انتخاب خود را میپذیرد (Dworkin, ۲۰۱۱: ۳۵۶). از نظر دورکین، بازار نسبت به راه های سوسیالیستی و جمع گرایانه اولویت دارد؛ زیرا این راه حل ها ناظر به انتخاب ها و ارزش های جمعی است

و کرامت انسانی را نقض می کند و از این رو یک اقتصاد برابریگرا اساساً اقتصادی سرمایه داری خواهد بود (همان):  
(۳۵۷).

البته دورکین به محدودیت های این مثال تاحدی آگاه است و اصلاحاتی را برای کارآمد شدن آن اعمال می کند؛ زیرا هدف از ورود بازار به نظریه عدالت، توجه دادن به هزینه های فرصت واقعی کالا برای استفاده از آن بوده است؛ در حالی که بازار سرمایه داری فعلی با قیمت های دارای اختلال مواجه است. از این رو باید دولت، نقشی تعیین کننده برای درستی قیمت ها داشته باشد و جلوی انحصار و اثرات جانبی را بگیرد که این امور در بحث های بین نسلی بسیار تعیین کننده نیز خواهد بود؛ زیرا برای مثال تغییرات آب و هوایی ناشی از افعال حاضران، هزینه هایی بر دوش آینده می گذارد که در بازار قابل مهار نیست و باید در این باره حتی به مالکیت های دولتی نیز فکر کرد (همان).

به نظر می رسد با وجود این همه پیشرفت در تمام علوم بشری، متأسفانه در علم اقتصاد پسرفت داشته ایم. شاهد این مدعا هم، تورم، فقر، بیکاری، عدم توزیع عادلانه درآمد و نیز رشد روز افزون بدهی هاست. به نظر می رسد که ریشه ی این حلقه ی مفقود را، در پول باید جستجو نمود. جای هیچ شکلی نیست که اقتصاد همواره در بستری پویا از فعالیتهای علمی قرار داشته و پیوسته در حال تغییر و تحول بوده است. در واقع این علم در عمر نسبتاً "طولانی خود همواره در بستری پویا از فعالیتهای علمی قرار داشته و پیوسته در شاخه پر افتخار از علوم بشری، و آنچنان که برخی معتقدند «ملکه علوم»، بوده است. با اینحال، وضعیت کنونی این علم موجب نگرانی روزافزونی در میان اقتصاددانان شده است. این موضوع تا حد زیادی برخاسته از چالشهای اساسی است که اقتصاددانان هترودکس در برابر جریان اصلی علم اقتصاد مطرح کرده اند. گرچه بیش از یکصد سال پیش ویلن با طرح پرسش: "چرا اقتصاد یک علم تکاملی نیست؟" بزرگترین چالش را در برابر اقتصاد ارتدکس مطرح ساخت، اما اقتصاددانان جریان اصلی، پس از یک دوره کوتاه عقب نشینی، و در پی ظهور اقتصاد سنجی، توانستند به تدریج تمام عرصه های علم اقتصاد را دگر بار از آن خود سازند؛ بدون آنکه در مبانی فکری خود تغییرات چندانی بوجود آورند. اما پس از گذشت چند دهه پس از جنگ دوم جهانی، با احیای مجدد سنتهای قدیمی هترودکس و ظهور سنتهای جدید و در پی مشخص شدن عدم کارآمدی نظریه های اقتصادی تولید شده توسط جریان اصلی، دغدغه های فراوانی برای آزمون بنیانها بوجود آمده است. البته در این راستا اقتصاد جریان اصلی نیز سعی کرده در برخی از زمینه ها از خود انعطاف بیشتری نشان دهد و وارد موضوعاتی شود که تا پیش از این برای آنها چندان محلی از اعراب قائل نبود؛ موضوعاتی همچون رابطه بین ساختار و کارگزار، بین اقتصاد و سایر بخشهای جامعه، بین محقق و موضوع تحقیق، بین اقتصاد و حقوق، اقتصاد و سیاست، اقتصاد و تاریخ، اقتصاد و جامعه شناسی و مانند آن؛ که حاصل آن، احیای مفاهیمی همچون نهاد، علیت، فرهنگ، تبعیض، تکامل، نظم، سازمان، قدرت، فرایند، فناوری و غیره بود (متوسلی و همکاران ۱۳۸۹).

به هر حال، به دنبال احیا و تجلی سنتها و مکاتب مختلف فکری در حوزه علم اقتصاد، تحلیل های جامع و انتقادی از وضعیت موجود علم اقتصاد و جریان اصلی آن در سطوح مختلف نظری و تکنیکی شدت وحدت بیشتری گرفته و این خود مجالی برای شناخت ضعف های موجود و جستجوی راه حل های جدید برای غلبه بر مشکلات شده است. به نظر می رسد، تمامی مشکلات اقتصاد متعارف ریشه در امری واقعی (نه حقیقی) به نام تورم دارند. به طوری که حتی مشکلات رکود تورمی، فقر، شکاف طبقاتی و بیکاری نیز به تورم بر می گردد. در نتیجه به نظر می رسد که این امر واقعی خود مولود یک امر اعتباری غلط است. تا زمانی که این امر غلط در اقتصاد وجود دارد این مشکلات وجود دارند. البته به نظر می رسد که این امر اعتباری، تعریف پول در اقتصاد می باشد.

موضوعاتی که در این تحقیق تبیین می شود به شرح زیر است:

۱- تبیین عدالت بین نسلی: توجه به حقوق نسل های آینده

۲- تبیین فرایند مبادله در علم اقتصاد

۳- تبیین پول به عنوان نهاد عمومی: مالکیت عمومی پول (مالکیت تمام نسل ها)

۴- تبیین تشکیل منبع عمومی (مالکیت تمام نسل ها) از پول: راه حل حفظ ارزش پول

۵- تبیین حفظ حقوق تمام نسل ها: حفظ حقوق مالکیت پول: حصول توسعه و رشد پایدار

۶- تبیین مدل بنیادین اقتصاد خرد: تبیین واحد بین المللی پول (ژول): حذف بازار ارز

## ۱- تبیین عدالت بین نسلی: توجه به حقوق نسل های آینده

خداوند تبارک و تعالی جهان را بر اساس نظامی حکیمانه و عادلانه آفریده است و فیض ها و نعمت های خود را به هر موجودی، از جمله انسان، به اندازه استعداد، شایستگی و قالبیت های او ارزانی داشته است. نسل های گذشته، نسل حاضر و نسل های آینده همگی در چارچوب همین نظام عادلانه آفرینش، از فیوضات الهی برخوردار شده و می شوند و خواهند شد. زیرا وجود هر استعدادی، مبنای حقی است که خداوند در وجود انسان قرار داده است. بنابراین، عدالت حاکم بر جهان آفرینش، همه انسان ها در همه زمان ها و مکان ها را در برمی گیرد و نیازهای نسل آینده در استفاده از مواهب و امکانات خدادادی زمین را مورد توجه قرار داده است. در طول تاریخ، «عدالت» را غایت دانش حقوق دانسته اند و از لحاظ ارزش شناسی، آن را جامع ارزش ها معرفی کرده اند. با این همه، حیطة و موضوع عدالت، کمتر به بحث گذاشته شده است. به تعبیر دیگر، عموماً عدالت را حاکم بر موضوعات و اشخاصی قرار می دهند که در اکنون جهان حضور دارند، اما آیا آیندگان از عدالت بهره ای ندارند؟ این سؤالی است که «عدالت بین نسلی» از آن پرده برمی دارد. پرسش از این نوع عدالت در سالیان اخیر در پرتو پیشرفت فناوری و گسترده تر شدن دست بشر در طبیعت و به تبع، خطر نابودی زیست بوم طبیعی و انسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار شده است. عدالت بین نسلی در تلاش است نسل کنونی را مکلف بدارد تا حق نسل های آینده را در منابع طبیعی و محیط زیست به رسمیت بشناسد و برای جهان در حال نابودی فعلی، راه البته این تلاش تا حدودی مآجور بوده و توانسته باب ادبیات ویژه ای را در حقوق بین الملل محیط زیست در نهادهای .چاره ای بیابد سیاسی و قضایی بین المللی بگشاید. با این حال، هنوز نمی توان چنین عدالتی را جزو قواعد لازم الاجرای حقوق بین الملل موجود (معاهداتی یا عرفی) قلمداد کرد. عدالت بین نسلی در بهترین حالت، آموزه ای است برای سوق دادن «حقوق موجود» به سمت «حقوق مطلوب» و تفسیر قواعد حقوق بین الملل به روش های منصفانه و مبتنی بر «نیازهای جامعه بین المللی در کل» که باید در راستای حفظ «میراث مشترک بشریت» حرکت نماید.

عدالت بین نسلی بر این مبنا استوار است که منابع و مواهب طبیعی باید به گونه ای توسط نسل فعلی استفاده شود که به نیاز نسل های آینده جهت حفظ و تداوم حیات شان آسیبی وارد نسازد. لذا استفاده از مواهب طبیعی همان طور که حق نسل های گذشته بوده، نیز حق نسل حاضر و نسل های آینده است. با مطرح شدن توسعه پایدار به عنوان توسعه ای که نیازهای نسل کنونی را بدون این که خللی در توانایی نسل های آینده برای رفع نیاز های شان وارد کند برآورده سازد، توسعه به مثابه ابزاری که فرصت های

زندگی نسل های آینده را همراه و همگام با فرصت های زندگی نسل حاضر مورد حمایت قرار می دهد مطرح شده و عدالت بین نسلی در استفاده از مواهب طبیعی مد نظر قرار می گیرد و از حق نسل هایی که هنوز به دنیا نیامده اند حمایت می شود. چنین نگرشی به توسعه را توسعه پایدار می نامند. نکته مهم و اساسی در بحث توسعه پایدار آن است که هر جا از توسعه پایدار سخن گفته می شود، در کنار آن حقوق نسل های آینده و رعایت عدالت بین نسلی مطرح می شود. آن چه در این نگرش به توسعه مهم است،

شناسایی کامل حقوق نسل های آینده در کنار حقوق نسل فعلی در فرایند توسعه با رویکرد عدالت بین نسلی است و همان گونه که از اسناد بین المللی و دیدگاه حقوق دانان استفاده می شود، نقطه مرکزی بحث توسعه پایدار، توجه و احترام به حقوق نسل های آینده همراه با حفظ حقوق نسل حاضر است. آیندگان در همین زمین زندگی خواهند کرد و بر همین اساس عدالت اقتصادی آن را دارد که نسل های آینده نیز مانند نسل های گذشته و نسل فعلی بتوانند از مواهب و نعمت های زمین برخوردار شوند.

علاوه بر این، از آن جا که خالق طبیعت و شارع شریعت یکی استو هماهنگی کاملی بین عالم تکوین با عالم تشریح وجود دارد، احکام شریعت و مقررات حاکم بر جهان نیز بر مبنای عدالت جعل شده است. لذا احترام به حقوق نسل های آینده در فرایند قانون گذاری و تصمیم سازی از مصادیق بارز رعایت عدالت در تشریح است. از سوی دیگر، عدالت بین نسلی مقتضی آن است که نسل حاضر اطمینان حاصل نماید که تصمیمات و اقداماتش، ضمن این که نیازهای او را برآورده می سازد، به نیازها و حقوق نسل های آینده نیز لطمه ای وارد نمی سازد. به عبارت دیگر، حقوق، منافع و نیازهای نسل های حاضر و آینده باهم و به صورت عادلانه حفظ گردد. در نتیجه لازم است جهت حفظ حقوق آیندگان تدابیر و اقدامات لازم مد نظر قرار گیرد.

## ۲- تبیین فرایند مبادله در علم اقتصاد

پول در علم اقتصاد برای فرایند مبادله طراحی شده است. مبادله یعنی انتقال همزمان دو ارزش (مبادله ی کالا به کالا). اما با وجود پول مبادله به فرایند مبادله تبدیل می شود. توجه به مبادله و فرایند مبادله در بحث بسیار مهم است. زیرا در فرایند مبادله با وجود پول فقط یک ارزش انتقال می یابد. برای تبیین بهتر این موضوع لازم است به مقدمات زیر توجه شود. اصول علم اقتصاد بر پایه ی ۴ نظریه می باشد: ۱- نظریه ی عمومی کالا ۲- نظریه ی ارزش ۳- نظریه ی مبادله ۴- نظریه ی قیمت

در نتیجه لازم است ۴ بار اندازه گیری نمود:

۱- اندازه گیری کالا ۲- اندازه گیری ارزش ۳- اندازه گیری قیمت ۴- اندازه گیری مبادله

۱- اندازه گیری کالا

اندازه گیری کالا به شرح زیر می باشد:

کالا چیزی است که دارای ارزش است.

البته منظور از ارزش، ارزش مبادله ای است

۲- اندازه گیری ارزش (مبادله ای)

اندازه گیری ارزش به صورت زیر می باشد:

## آگاهی نسبت به کالا.

(دقت شود مفهوم آگاهی در جهت ورود نقش ناظر اضافه می گردد. نکته ی عمیق و دقیقی است).

### ۳- اندازه گیری قیمت

حال اندازه گیری قیمت به صورت زیر تبیین می شود:

#### اندازه گیری قیمت بدین صورت است: قیمت: مقدار ارزش مبادله ای کالای اقتصادی

به عبارتی قیمت، همان مقدار ارزش اندازه گیری شده است. در اینجا وسیله ی که مقدار ارزش مبادله ای را اندازه گیری می نماید همان پول است. به عبارتی پول نقش وسیله اندازه گیری ارزش مبادله ای را بازی می کند. یعنی پول چیزی جز وسیله ی اندازه گیری مقدار ارزش مبادله ای نیست. در اینجا پول فقط و فقط ارزش مصرفی دارد. یعنی برای تولید پول هیچ حرکتی به کار نرفته است. یک قرار داد اجتماعی است. که ارزش مبادله ای ندارد. اما منشا حقیقی دارد. در نتیجه ارزش زمانی پول صفر است. چون مقدار حرکت به کار رفته در تولید آن صفر است. در نتیجه ارزش مبادله ای پول صفر است.

### ۴- اندازه گیری مبادله

حال اندازه گیری مبادله به صورت زیر تبیین می شود:

اندازه گیری مبادله: وضعیتی است که در آن عاملین اقتصادی، به تبادل ارزش مبادله ای با یکدیگر می پردازند.

حال تعادل مبادله، که یک تعادل عادلانه است به صورت زیر تعریف می شود:

وضعیتی است که در آن یک عامل اقتصادی، مقدار ارزش مبادله ای که از دست می دهد با مقدار ارزش مبادله ای که به دست می آورد برابر است.

نکته ی بسیار لازم و حیاتی که لازم است به آن توجه نمود نقش پول در فرایند مبادله است. با تعریف پول در فرایند مبادله خود پول مبادله نمی شود (پول شخص حقوقی است). بلکه وسیله ی مبادله است. یعنی پول وظیفه ی انتقال ارزش را برعهده دارد. پول نقش وسیله ی اندازه گیری ارزش را دارد. به عبارتی پول مبادله نمی شود. زیرا مبادله به معنی انتقال همزمان دو ارزش مبادله ای است. با وجود پول فقط و فقط یک ارزش انتقال پیدا می نماید. فهم این نکته که پول مبادله نمی شود بلکه وسیله ی اندازه گیری ارزش می باشد بسیار مهم می باشد. یعنی پول در اینجا نقش شخص حقوقی را بازی می کند.

لازم به ذکر است وسیله ی انتقال ارزش در فرایند مبادله آگاهی است. یعنی: آگاهی عاملین اقتصادی، نسبت به این موضوع که مقدار ارزش مبادله ای که از دست می دهند با مقدار ارزش مبادله ای که به دست می آورند برابر است.

در نتیجه وسیله انتقال ارزش (آگاهی) از وسیله ی اندازه گیری ارزش (پول) متفاوت است. تمایز بین این دو وسیله بسیار مهم است. به عبارتی در فرایند مبادله به خاطر وجود دو انسان نیازمند دو وسیله ی اندازه گیری نیاز است. کلید مبادله ی دقیق و صحیح در توجه به این نکته است. زیرا هر دو عامل اقتصادی در فرایند مبادله اندازه گیری می کنند. از نگاه سیستمی پول کالانیست. بر

خلاف اقتصاد متعارف که پول را کالا در نظر می گیرد. از نگاه سیستمی پول ارزش مبادله ای ندارد. یعنی قیمت ندارد. چون کالای اقتصادی نیست. به عبارتی پول شخص حقوقی است.

نکته ی علمی و دقیق این است برای این که اندازه گیری دقیق و صحیح و خالی از خطا باشد لازم و واجب است که:

برای خود پول هیچ حرکتی به کار نرفته باشد. یعنی خود پول ارزش مبادله ای نداشته باشد. یعنی کالا را نمی توان به عنوان پول در نظر گرفت. به عبارتی دیگر پول کالا نیست. در صورتی که به پول به عنوان کالا نگریسته شود دچار خطای اندازه گیری شده ایم که نمود آن ظهور تورم در علم اقتصاد است. در نتیجه ارزش مصرفی پول (قدرت خرید) دچار تغییر می گردد.

به صورت خلاصه می توان فرایند مبادله ی دقیق و صحیح را در علم اقتصاد به صورت زیر خلاصه نمود:

۱- وجود عاملین اقتصادی به عنوان شخص حقیقی ۲- وجود نهاد پول به عنوان شخص حقوقی ۳- وجود کالاها

به عبارتی پول در اینجا نقش شخص حقوقی را در فرایند مبادله بازی می کند. به طور ی که خود نهاد پول کالا نیست. ارزش مبادله ای ندارد.

حال می توان سرعت گردش پول و سرعت گردش کالا را با یکدیگر مقایسه نمود. سرعت گردش کالا در علم اقتصاد صفر است. به عبارتی می توان کالا را حبس نمود. در نتیجه می توان برای کالا بازار تعریف نمود. به عبارتی در شکل گیری فرایند مبادله سرعت گردش کالا در انجام مبادله صفر است. به طوری که بعد از مصرف کالا، دیگر کالایی وجود ندارد. اما تحلیل سرعت گردش پول دقیقا عکس تحلیل گردش سرعت کالا است. به عبارتی سرعت گردش پول مثبت (بزرگتر از واحد) است. همین سرعت گردش پول در فرایند مبادله در علم اقتصاد لازم است به پول از نگاه غیر کالایی توجه شود. به طوری که بعد از مصرف کالا، پول هنوز وجود دارد. یعنی پول هنوز ارزش مصرفی دارد. بر خلاف این که کالا بعد از مصرف، ارزش مصرفی آن ها کاهش پیدا می کند.

### ۳- تبیین پول به عنوان نهاد عمومی: مالکیت عمومی

#### پول (مالکیت تمام نسل ها)

در این قسمت برای این که نشان داده شود که پول در طی فرایند مبادله در علم اقتصاد به عنوان نهاد عمومی عمل می کند لازم است قبل از آن به مقدمه ی زیر توجه نمود:

#### الف- مالکیت عمومی پول نسبت به کالاها

پول جنبه وضعی، قراردادی، فرضی و اعتباری دارد و با واقع و نفس الامر سرو کاری ندارد و همچنین پول ارزش منطقی ندارد؛ بنابراین نمی توان آن را به صورت یک کالا در نظر گرفت و بازاری برای عرضه و تقاضای آن پدید آورد. کالا نبودن پول به معنای فیزیکی نبودن آن نیست بلکه به این معناست که پول چه در شکل فیزیکی و چه به عنوان پول اعتباری، به منظور مصرف در جامعه تولید نمی شود. همچنین کالا به خودی خود ارزش دارد و در صورت برقرار نبودن روابط اجتماعی قابل مصرف است؛ اما پول فقط در چارچوب جامعه و روابط اجتماعی حاکم بر آن ارزشمند بوده و واسطه گری می کند. به عبارتی پول از جمله مفاهیم حقوقی است که در علم اقتصاد وارد شده است.

حال می توان حقیقت پول را به صورت زیر تبیین نمود:

پول، مالکیت اعتباری عمومی دارد. لازم است که دواصطلاح مالکیت و نیز عمومی تبیین شوند.

## الف-تبیین مالکیت

مالکیت رابطه‌ای است اعتباری بین مال از یک طرف و بین شخص (حقیقی یا حقوقی) از طرف دیگر؛ که بر اساس آن مالک می‌تواند هر تصرف معقولی را که مایل باشد در مالش انجام دهد. سید محمد کاظم یزدی در تعریف مالکیت می‌گوید: حقیقت مالکیت فقط یک اعتبار عقلایی است. عقلا چیزی را که در دست کسی قرار دارد (و متعلق به اوست) علقه و رابطه‌ای بین او و چیزی که در اختیار وی می‌باشد اعتبار می‌کنند که این رابطه، منشأ تسلط وی بر آن چیز می‌باشد یا اینکه آنچه را که اعتبار می‌کنند عبارت است از همان تسلط.

مالکیت به رابطه خاص بین مالک و ملک اشاره می‌کند که امکان تصرف مالک در ملک را نشان می‌دهد. این رابطه و سلطه، گاه حقیقی و واقعی است؛ یعنی مالک، سلطه واقعی و حقیقی بر ملک دارد؛ مانند مالکیت خداوند بر مخلوقات، و مالکیت انسان بر نفس یا بر صورت ذهنی اشیا. گاهی نیز این سلطه اعتباری است؛ یعنی بین مالک و ملک فقط رابطه و سلطه‌ای فرض می‌شود که آن چه در واقع نوعی شبیه‌سازی صورت می‌گیرد. جدا و گسیخته از مالک است، به منزله آن چه به او ارتباط دارد، در نظر گرفته شود؛ البته این سلطه اعتباری دارای اثر است. اثر این سلطه آن است که تصرفات مالک (91) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲: ص در ملک به رضایت کسی منوط نیست؛ ولی تصرفات دیگران، بر رضایت مالک متوقف است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۴). بدین ترتیب، «مالکیت اعتباری» عبارت از اعتبار واجدیت و احاطه شخصی (حقیقی یا حقوقی) بر شیء، اعم از عین و منفعت است به گونه‌ای که بر آن شیء سلطه داشته باشد و بتواند در آن تصرف کند و مانع تصرف دیگران شود. در شرع نیز همین معنای عرفی لحاظ شده است؛ البته برخی محدودیت‌ها درباره آن مطرح می‌شود (قحف، ۱۴۱۱: ص ۶۱)؛ بنابراین می‌توان گفت: عنصر اصلی در امکان تصرف است این امکان گاه به دایره وجود ارتباط می‌یابد که در این صورت، مالکیت حقیقی مطرح «مفهوم مالکیت، می‌شود و گاه به معنای امکان فلسفی نیست؛ بلکه بر جواز دلالت می‌کند. در مالکیت اعتباری، عاقلان با تشبیه به مالکیت حقیقی که در آن، مالک امکان وجودی جهت تصرف در ملک را داشت، بین مالک و ملک اعتباری رابطه‌ای برقرار می‌سازند که مالک جهت رسیدن به مقاصد اجتماعی، در تصرف مجاز باشد؛ بنابراین، مالکیت حقیقی به دنبال جواز فلسفی و مالکیت اعتباری، در پی جواز تشریحی است؛ پس تفاوت اساسی این دو مالکیت این است که در مالکیت حقیقی، همواره ملک بر مالک قائم بود، و هیچ وقت از مالکش جدا و مستقل نمی‌شود (طباطبایی، ج ۳، ص ۲۰۲)؛ ولی ملکیت اعتباری از آن جا که قوامش به وضع و اعتبار بوده، قابل تغییر و تحول است، امکان دارد این نوع ملک از مالکی به مالک دیگر منتقل شود و می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های مالکیت اعتباری، قابلیت انتقال ملک است (هادوی نیا ۱۳۸۲).

نکته ی ظریف مالکیت داشتن پول در تشکیل اجتماع است. یعنی انسان ها بعد از این که اجتماع را تشکیل دادند برای حصول مبادله پول را اعتبار می نمایند. به عبارتی در صورت حذف اجتماع نیاز به پول هم حذف خواهد شد. اما با حذف اجتماع کالا هم هنوز ارزش مبادله ای دارد. زیرا مفهوم کالا از مفهوم طبیعت و خلقت استخراج می شود. اما مفهوم پول با وجود تشکیل اجتماع انسان ها برای انجام مبادله اعتبار می شود. نکته ی ظریف و دقیق در مورد پول این است که پول مالکیت دارد. یعنی همان طور که برای انسان مالکیت تعریف می شود برای پول نیز مالکیت تعریف می شود. به طوری که پول نسبت به کالاها مالکیت دارد. یعنی



تصرف و سلطه پول بر کالاها. به عبارتی پول، سلطان کالاهاست. از همین نکته لزوم تبیین حقوق مالکیت پول نیاز می شود. البته مفهوم مالکیت همان مفهوم قدرت خرید پول در علم اقتصاد متعارف است.

## ب- عمومی بودن مالکیت

منظور از اصطلاح عمومی در عبارت مالکیت عمومی پول مربوط به کالاهاست. یعنی پول نسبت به همه ی کالاها امکان تصرف و سلطه دارد.

حال با توجه به این که پول مالکیت عمومی دارد می توان در مورد نوع مالکیت پول (خصوصی و دولتی و عمومی) با توجه به مقدمات زیر اظهار نظر نمود (لازم به ذکر است که بین دو کلمه ی عمومی باید تفکیک شود: اولی مربوط به کالاها و دومی مربوط به انسان ها):

۱- پول نه کالای خصوصی است. نه کالای عمومی. پول کالا نیست.

۲- سرعت گردش پول بر خلاف سرعت گردش بزرگتر از صفر است. به عبارتی امکان حبس کالا هست. اما پول را نمی توان حبس نمود. به عبارتی عاملین اقتصادی در فرایند مبادله مجبور به گردش پول در طی فرایند مبادله هستند. اما کالا برای این هدف طراحی نشده است. به عبارتی در علم اقتصاد فقط برای پول سرعت گردش تعریف می شود. برای کالا سرعت گردش تعریف نمی شود.

۳- زمانی که برای اولین بار پول به عنوان ارزش حقوقی در اجتماع اعتبار می شود، آن گاه این ارزش حقوقی برای همیشه تا قیامت وجود دارد. به عبارتی ارزش مصرفی پول هیچ گاه از بین نمی رود. بر خلاف این که ارزش مصرفی کالاها در طی زمان از بین می رود. یعنی در علم اقتصاد کالا ارزش حقیقی دارد. لکن پول ارزش حقوقی دارد.

حال می توان با توجه به توضیحات فوق نوع مالکیت پول را تعیین نمود:

مالکیت پول از نوع عمومی است. زیرا سرعت گردش پول بر خلاف سرعت گردش کالاهاست. همچنین ارزش مصرفی پول در طی زمان ثابت است. درک این نکته که پول مالکیت عمومی دارد. نتایج گسترده ای به دنبال دارد. به عبارتی لازم و واجب است که مالکیت نهاد بانکی عمومی تلقی شود (حذف صنعت بانکداری). به عبارتی با توجه به این که پول در علم اقتصاد به عنوان نهاد عمومی عمل می کند مالکیت نهاد بانکی متعلق به تمامی نسل ها در طی زمان است. از همین نکته توجیه عقد قرض الحسنه از نهاد بانکی جهت تامین پول استنتاج می شود. زیرا منابع موجود در نظام بانکی متعلق به تمامی نسل هاست.

## ۴- تبیین تشکیل منبع عمومی (مالکیت تمام نسل ها) از پول: راه حل حفظ

### ارزش پول

مهمترین نکته در بحث پول در طی فرایند مبادله در علم اقتصاد حفظ ارزش پول می باشد. به عبارتی با توجه به این که پول ارزش حقوقی دارد لازم است فناوری متناسب با این ارزش حقوقی برای پول در طی زمان در فرایند مبادله تعریف شود. به عبارتی لازم است به عاملین اقتصادی این آگاهی داده شود که ارزش حقوقی پول در طی زمان ثابت است. راه کار و فناوری این آگاهی به صورت زیر است:

۱- تشکیل منبع عمومی (نهاد بانک) از پول

۲- عقد قرض الحسنه عاملین اقتصادی

به طوری که مالکیت این منبع عمومی، عمومی است. عاملین اقتصادی هر زمان که خواستند می توانند به مقدار مشخص از این منبع به صورت عقد قرض الحسنه دریافت نمایند (حذف بازار پول). به عبارتی وجود این منبع عمومی است که اراده و اختیار عاملین اقتصادی را کنترل می کند و شرط لازم را به طور خودکار برقرار می سازد. در نتیجه رفتار تصادفی نخواهیم داشت. در صورت تعریف بازار برای پول آن گاه رفتارها تصادفی خواهند بود. به عبارتی در این فناوری نگاه کالایی به پول حذف می شود. یعنی پول تقاضا دارد (عاملین اقتصادی). عرضه دارد (منبع عمومی). اما قیمت ندارد. به عبارتی پول فقط و فقط ارزش مصرفی (آن هم قراردادی) دارد. ارزش مبادله ای ندارد. در نتیجه در این نگاه تنها بدهی در اقتصاد قرض الحسنه است. نیاز به تعریف یک بانک مرکزی با تعریف ترازنامه لازم نیست. به عبارتی دولت و بخش خصوصی نیاز به پول را فقط و فقط از طریق منبع عمومی دریافت می نمایند. و بدهی های دولت و نیز نهاد بانک به بانک مرکزی حذف می شود. هیچ گاه پول در اقتصاد کنز نمی شود. در حال حاضر بانک مرکزی تراز نامه دارد. و این تراز نامه نماد کنز پول است. منشآتورم در اقتصاد نیز همین کنز پول است.

لازم به ذکر است که وجود منبع عمومی پول (عقد قرض الحسنه) فواید زیر را به همراه دارد:

۱- حذف بازار پول ۲- حذف کنز پول ۳- حذف تقاضای سفته بازی پول ۴- حذف تورم از اقتصاد ۵- تقویت بازار سرمایه

۶- رشد اقتصادی با ثبات و پایدار ۷- رفتار غیر تصادفی عاملین اقتصادی (کنترل و پیش بینی رفتار) ۸- حذف ارزش زمانی پول

در این دیدگاه دینوع وسیله به طوری کلی برای ارزش تبیین شد. ۱- وسیله ی اندازه گیری ارزش که همان پول است. ۲- وسیله ی انتقال ارزش که همان آگاهی عمومی است. آگاهی عاملین اقتصادی که دارند ارزش های یکسانی را مبادله می کنند. به طوری که ارزش وسیله ی اندازه گیری در طی زمان ثابت است. دستخوش تغییر نمی گردد. ارایه یک معیار ارزش ثابت. البته حصول این آگاهی از طریق تشکیل منبع عمومی پول می باشد. زمانی که این منبع تشکیل شد این آگاهی همیشه در طی فرایند مبادله برقرار است. یعنی با وجود این منبع یک بار برای همیشه این شرط برقرار است.

نکته ای در این تحقیق بر روی آن تاکید می شود خروجی این فناوری نوین پول است. این فناوری (تشکیل منبع عمومی پول) علاوه بر این که ارزش پول را در طی زمان حفظ می نماید (ثبات قدرت خرید پول) منجر به تحقق قانون والراس در بخش اسمی اقتصاد می شود. یعنی در طی فرایند مبادله این منبع عمومی باعث می شود که همیشه تقاضای پول با عرضه ی پول برابر باشد. یعنی در بخش پولی اقتصاد هیچ گاه مواجه با کمبود یا مازاد پول مواجه نخواهیم شد. این همان برکات عظیم قرض الحسنه است که خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید به آن توجه خاصی نموده است.

به عبارتی عرضه ی پول همیشه در اقتصاد به صورت یک منبع عمومی وجود دارد که عاملین اقتصادی هر زمان خواستند می توانند از این منبع به صورت عقد قرض الحسنه متناسب با نیاز خود استفاده کنند. در این رویکرد نقش بانک مرکزی در عرضه و تامین مالی پول حذف می شود. به عبارتی عاملین اقتصادی هیچ وقت به بانک مرکزی بدهکار نیستند. بلکه فقط و فقط به منبع عمومی آن هم به صورت قرض الحسنه بدهکارند. به عبارتی تنها بدهی در اقتصاد قرض الحسنه است.

به عبارتی در این حالت به درستی بین عمل قرض و عمل بازار تمایز در نظر گرفته شده است.

## ۵- تبیین حفظ حقوق تمام نسل ها: حفظ حقوق مالکیت پول: حصول توسعه و

### رشد پایدار

شناسایی کامل حقوق نسل های آینده در کنار حقوق نسل فعلی در فرایند توسعه با رویکرد عدالت بین نسلی است و همان گونه که از اسناد بین المللی و دیدگاه حقوق دانان استفاده می شود، نقطه مرکزی بحث توسعه پایدار، توجه و احترام به حقوق نسل های آینده همراه با حفظ حقوق نسل حاضر است. آیندگان در همین زمین زندگی خواهند کرد و بر همین اساس عدالت اقتصادی آن را دارد که نسل های آینده نیز مانند نسل های گذشته و نسل فعلی بتوانند از مواهب و نعمت های زمین برخوردار شوند.

علاوه بر این، از آن جا که خالق طبیعت و شارع شریعت یکی استو هماهنگی کاملی بین عالم تکوین با عالم تشریح وجود دارد، احکام شریعت و مقررات حاکم بر جهان نیز بر مبنای عدالت جعل شده است. لذا احترام به حقوق نسل های آینده در فرایند قانون گذاری و تصمیم سازی از مصادیق بارز رعایت عدالت در تشریح است. از سوی دیگر، عدالت بین نسلی مقتضی آن است که نسل حاضر اطمینان حاصل نماید که تصمیمات و اقداماتش، ضمن این که نیازهای او را برآورده می سازد، به نیازها و حقوق نسل های آینده نیز لطمه ای وارد نمی سازد. به عبارت دیگر، حقوق، منافع و نیازهای نسل های حاضر و آینده باهم و به صورت عادلانه حفظ گردد. در نتیجه لازم است جهت حفظ حقوق آیندگان تدابیر و اقدامات لازم مد نظر قرار گیرد. با توجه به این که در این تحقیق عنوان شد که پول مالکیت دارد (نسبت به کالاها)، لازم است برای پول حقوق مالکیت تعریف شود تا حقوق نسل های آینده هم حفظ شود. پول در علم اقتصاد به عنوان یک نهاد عمومی عمل می کند در نتیجه پول کالا نیست. به طوری که تولید آن را نمی توان به بازار واگذار نمود. در غیر این صورت مواجه با پدیده ی شکست بازار مواجه خواهیم شد. به عبارتی لازم است برای پول حقوق مالکیت تعریف نمود. نتیجه ی این تعریف حذف هزینه مبادله از علم اقتصاد است. اما قبل از آن لازم است مقدماتی پیرامون مفهوم حق بیان نمود.

### الف-دانش فلسفه حق

مفهوم حق از مهم ترین مسائل حوزه اخلاق، حقوق و سیاست است. در این زمینه، مباحث مختلفی از جمله معنا و ماهیت حق، انواع حق، منشأ حق و غیره مطرح می شود. در این میان، بحث از معنای حق، به خصوص در نگاه اندیشمندان اسلامی، و به طور اخص در حوزه های فقهی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی، یکی از مباحث مهم است. تبیین دقیق معنای حق در نگاه اندیشمندان حوزه های مختلف دانش های اسلامی، به خصوص در دانش های حقوق و سیاست، زمینه مناسبی را برای طرح درست و عالمانه مباحث مهمنظام های سیاسی و حقوقی فراهم می آورد.

واژه حق در گفتمان حق به معنای شایستگی داشتن موجودی بر چیزی است. براساس این تعریف، هر موجودی در جهان می تواند صاحب حق باشد؛ زیرا حق به معنای شایستگی برای رسیدن به غایات است. غایت موجودات مختار همان هدف حکیمانه ای است که آن موجود افعال خود را برای رسیدن به آن انجام می دهد. غایت موجودات مجبور مقصد حرکت طبیعی آنهاست.

چون همه موجودات غایات معین و حکیمانه ای دارند، شایستگی دارند؛ یعنی حق دارند افعال خود را برای رسیدن به آن غایات انجام دهند؛ بنابراین، همه موجودات صاحب حق رسیدن به غایت مطلوب هستند؛ خواه صاحب حق مجرد باشد یا مادی، زنده باشد یا بیجان، مختار باشد یا مجبور، وجودش حقیقی باشد یا مثل اصناف، گروه های اجتماعی و جوامع بشری،

وجودش اعتباری باشد. چنانکه برترین موجود در جهان یعنی خدا، می تواند حق داشته باشد، پست ترین موجود نیز می تواند شایسته رسیدن به غایت مطلوب باشد. چنان که موجود کاملاً مختار را می توان صاحب حق دانست، موجودات مجبور نیز می توانند صاحب حق باشند.

آیت الله جوادی آملی معتقد است همه موجودات حق دارند: «از منظر تعالیم آسمانی (اسلام)، نه تنها انسان، بلکه هر موجودی به هر میزان حیطة وجودی خود دارای حق است». وی معتقد است چون هویت وجودی صاحبان حق مختلف است، حقه ای آنها نیز با یکدیگر یکسان نیستند. وی در یکی از فرازهای کتاب حق و تکلیف در اسلام می گوید:

«حق هر موجودی متناسب با هویت آن موجود است. اگر برای جمادات و طبیعت بیجان حق قائل باشیم، مراد حقی است که همسنگ ماهیت آن است و اگر برای حیوانات حقوقی را لحاظ میکنیم، مقصود اموری است که با هویت حیوانی تناسب دارد و هرگاه از حق انسانی سخن به میان می آید، مقصود حقوق متناسب با هویت او و اگر از حق الهی صحبت می کنیم، متناسب با هویت قدسی اوست. بدون تردید حق جماد با حق حیوان متفاوت است و حق حیوان و جماد با حق انسان فرق دارد و همه حقوق مزبور از حقوق خداوند متمایز است؛ چون ذات و هویت این موجودات باهم تفاوت دارد.»

روشن است که حق (دربرابر تکلیف) موضوع دانش فلسفه حق است. یکی از مباحث دشوار در این دانش، بحث از مفهوم حق است. نظریه های فراوان و گوناگون در این عرصه وجود دارد. برای شناسایی مفهوم حق، باید آن را از دو بعد بررسی کرد. بعد اول، بعد هستی شناسانه این مفهوم است. ابتدا باید بدانیم مفهوم حق چه ویژگیهایی دارد، چگونه در ذهن ساخته می شود و ارکان سازنده آن کدام است. عنوان «هستی مفهوم حق» متکفل بررسی این بعد از مفهوم حق است. بعد دوم، بعد معنایی و محتوای ذاتی مفهوم حق است.

همه مفاهیم کلی که در دانش های علوم اجتماعی، حقوق، سیاست، جامعه شناسی، علوم تربیتی و ... (به کار می روند، از مفاهیم فلسفی اند؛ یعنی هم واقعیتی خارج از ذهن دارند و هم آنها را از مقایسه می فهمیم. این مفاهیم همگی اعتباریاند؛ یعنی ماهیت حقیقی ندارند.

مفهوم حق نیز در گفتمان حقوق، از این قاعده مستثنا نیست. این مفهوم چه به صورت مصدری و چه در سیاق اسم مصدری، مفهومی فلسفی و اعتباری است.

آیت الله جوادی آملی معتقدند همه موجودات حقی مخصوص خود دارند؛ زیرا هر یک هویت ویژه ای دارند. هویت خاص هر موجود را با توجه به اهداف وجودی اش می توان شناسایی کرد. این هویت خاص تکوینی، یعنی عینی و غیر قراردادی است؛ بنابراین حق تکوینی هر موجود نیز که از هویت خاص آن موجود شناخته می شود، حقیقی و غیر قراردادی است.

حقوق تکوینی هیچ موجودی از جمله حقوق انسان، امری قراردادی نیست، بلکه با حقایق عینی مرتبط است. انسان براساس آن چه که هست، حقوقی پیدا می کند و حقوق انسان مطابق "بود" اوست و لازم تعیین حق برای هر موجودی هستی شناسی اوست.

در نظام فکری آیت الله جوادی آملی چون همه موجودات وجود دارند، حق نیز دارند؛ پس عنصر مقوم هر حق، وجود صاحب حق است. نحوه وجود و رتبه وجودی هر موجود با توجه به کمالات وجودی آن موجود تعیین می شود. هدف از وجود هر موجود، در تعیین کمالات وجودی هر موجود نقش مستقیم دارد؛ بنابراین، برای شناسایی هویت هر موجود باید افزون بر شناخت کمالات وجودی آن، غایت مطلوب آن موجود را نیز شناخت.

عقل انسان در فرآیند مقایسه هر موجود و غایت وجودی اش، به آن موجود غایتمند که تکوینی (غیراختیاری) یا تشریحی (اختیاری) در مسیر وصول به آن غایت مطلوب قرار دارد و شایسته رسیدن به آن غایت است، صاحب حق میگوید و آن غایت مطلوب را موضوع حق می نامد.

به این مثال دقت کنید. غایت مطلوب درخت آن است که میوه های مناسب تولید کند. آن درخت در حرکت جوهری به سوی آن غایت مطلوب، یعنی مقصد حرکت طبیعی اش، پیش میرود تا به آن مقصد برسد. ذهن ما با سنجیدن آن درخت و غایت مطلوبش، یعنی باردهی، مفهوم حق داشتن را می سازد، آن را به درخت نسبت می دهد و می گوید درخت حق میوه دهی دارد. در این فرآیند، درخت صاحب حق است و میوه دار شدن، موضوع حق. از رابطه صاحب حق و موضوع آن، مفهوم حق داشتن به دست می آید.

بنابراین عناوین حق، صاحب حق و موضوع حق در فرآیند مقایسه به دست می آیند و بر حقایق خارج از ذهن اطلاق می شوند(طالبی ۹۴).

غایت مطلوب پول در علم اقتصاد مبادله است. یعنی پول برای این ابداع شده است که سازو کار مبادله (قیمت) در اقتصاد همیشه برقرار باشد. هر عمل و موضوعی که پول را از غایتش که همان مبادله است دور نماید خلاف حق پول است.

### ب- حقوق مالکیت پول

در این قسمت حقوق مالکیت پول به صورت زیر می باشد:

۱- پول نمی تواند و نباید بازار داشته باشد.

۲- عقد پول همیشه و همه جا قرض الحسنه است.

۳- لازم است که ارزش پول حفظ شود(تشکیل منبع عمومی پول). لازم است ارزش مصرفی پول در طی زمان ثابت بماند.

۴- پول نباید کنز شود. دارایی های بانک مرکزی نماد کنز پول است.

۵- مالکیت منبع عمومی(نهاد بانک) عمومی است. متعلق به تمامی نسل هاست. در نتیجه عمل تامین پول از نهاد بانکی برای تمامی نسل ها عقد قرض الحسنه است.

## ۶- تبیین مدل بنیادین اقتصاد خرد: تبیین واحد بین المللی

### پول (ژول): حذف بازار ارز

در این بخش ابتدا مدل بنیادین اقتصاد خرد تبیین می شود و بعد از آن مدل جدید مبتنی بر پول به عنوان نهاد عمومی تبیین می شود.

الف- تحلیل رفتار مصرف کننده مبتنی بر مفهوم مطلوبیت

نظریه رفتار مصرف‌کننده شاخه‌ای از اقتصاد خرد است، که مربوط به تنظیمات هزینه‌های مصرف و منحنی تقاضای مصرف‌کننده می‌باشد و در تلاش است تا فرایند تصمیم‌گیری خریداران را، چه به شکل یک به یک و چه گروهی درک کند. تا اثر گروه‌های همچون قوانین حاکم بر رفتار خانوارها و کل جامعه را بر روی خریدار ارزیابی کند.

در نظریه رفتار مصرف‌کننده ما به دنبال کشف قوانین حاکم بر رفتار خانوارها هنگام مصرف کالا و خدمات و یا عرضه عوامل تولید هستیم که از دو روش می‌توان این مطلب را توضیح داد: روش مطلوبیت و روش منحنی بی‌تفاوتی. در هر دو روش نقطه تعادل مصرف‌کننده جایی خواهد بود که به عبارت دیگر به منظور حصول حداکثر رضایتمندی، مصرف‌کننده درآمد پولی را باید چنان تخصیص دهد که مطلوبیت نهایی ناشی از هر پول هزینه شده بر روی هر کالایی برابر با تمامی کالاهای خریداری شده گردد. در نظریه رفتار مصرف فرض بر این است که، مصرف‌کننده می‌خواهد مطلوبیت خود را حداکثر نماید به طوری که قید بودجه برقرار باشد یعنی:

$$\max U = U(X, Y)$$

$$S. T P_X X + P_Y Y = M$$

حال اگر معادله لاگرانژ را تشکیل دهیم:

$$L = U(X, Y) + \lambda(M - P_X X - P_Y Y)$$

آن‌گاه شرایط تعادلی طبق شرط مرتبه ی اول به صورت زیر خواهد بود:

$$1. M = P_X X + P_Y Y$$

$$2. \frac{MU_X}{MU_Y} = \frac{P_X}{P_Y}$$

نکته ای که در این مقاله روی آن تاکید می‌شود و بسیار برای ما اهمیت دارد مطلوبیت نهایی پول می‌باشد:

یعنی:

$$\lambda = \frac{\partial U}{\partial M}$$

در این حالت مطلوبیت نهایی پول می‌تواند دو حالت داشته باشد:

1 - صفر باشد.

2 - بزرگتر از صفر باشد.

در حالت اول مصرف‌کننده هر دو کالا را مصرف می‌کند و پول نگه‌داری نمی‌کند.

در حالت دوم مصرف‌کننده قسمتی از پول را نگه‌داری می‌کند. به عبارتی دیگر پول کنز می‌شود (نماد کنز پول در علم اقتصاد: کالا در نظر گرفتن پول و تشکیل بازار برای آن). زیرا پول برای مصرف‌کننده مطلوبیت دارد. به نظر می‌رسد این نکته شروع انحراف علم اقتصاد خرد است. زیرا پول که قرار است خودش مطلوبیت را اندازه بگیرد، نباید مطلوبیت داشته باشد. در نتیجه زمانی که خودش

مطلوبیت داشته باشد دیگر نمی تواند مطلوبیت را اندازه بگیرد. در نتیجه به نظر می رسد که لازم است مفهومی در اقتصاد خرد وارد شود که این اشکال را نداشته باشد (حذف فرض مطلوبیت در اقتصاد خرد). لازم به ذکر است که مفهوم مطلوبیت برخاسته از یک تفکر سیستمی نیست. همین نکته کافی است بر حذف مفهوم مطلوبیت در علم اقتصاد خرد. چون لازم است که مفاهیم کلی باشند. اما مطلوبیت کلی نیست. لازم به ذکر است که در بازار مصرف کنندگان و تولید کنندگان به ارزش مبادله ای توجه می نمایند نه مطلوبیت.

### الف- تحلیل رفتار مصرف کننده مبتنی بر مفهوم انرژی

پیوند بین اخلاق و اقتصاد در مکتب ارتودوکس نئوکلاسیکی همواره محل بحث بوده است. طرفداران این مکتب تلاش کرده اند با استفاده از مفاهیم «مطلوبیت» و «ترجیحات» و در چارچوب اقتصاد رفاه، بین اخلاق و اقتصاد پیوند برقرار کنند. به خاطر ابهام ذاتی معنای «مطلوبیت» در چارچوب روش شناسی فردگرایانه اقتصاد نئوکلاسیک، این پیوند به سرانجام مطلوب نمی رسد؛ زیرا با تجمیع انتخاب های فردی، نمی توان به یک انتخاب اجتماعی در اقتصاد رفاه رسید (معرفی ۹۸).

نسبیت در علم اقتصاد در دو مسئله روش شناختی «عدم عینیت» و «عدم تعین» نظریه های اقتصادی ریشه دارد. راه حل مسئله نسبیت اتخاذ نگاهی رئالیستی به واقعیت اقتصادی است؛ به طوری که نظریه های اقتصادی ارتباط وثیق تری با واقعیت برقرار کنند. در دهه های اخیر دو پروژه رئالیستی (رئالیسم علمی ماکس و رئالیسم انتقادی لوسن) در علم اقتصاد آغاز شده است که می تواند نقطه شروع مناسبی برای غلبه بر نسبیت در علم اقتصاد باشد (معرفی ۹۷).

به نظر می رسد که پدیده های اقتصادی همانند پدیده های طبیعی کاملاً منتظم بر قوانینی مشخص و معین می باشد. همان طور که اراده و خواست یک شیمیدان یا فیزیکدان هنگام آزمایش هیچ گونه تاثیری در قوانین ندارد. همه چیز تابع قانون علت و معلول است، هیچ گونه استثنایی در این قانون وجود ندارد. در عین حال هر چه دانش بشری وسعت بیشتری پیدا می کند، بر اعتبار این قانون افزوده می شود. هسته ی سخت علم اقتصاد خرد مبتنی بر مفهوم مطلوبیت می باشد. به خاطر ابهام ذاتی معنای مطلوبیت و نیز ذهنی بودن آن در چارچوب روش شناسی فرد گرایانه اقتصاد کلاسیک، این پیوند به سرانجام مطلوب نمی رسد، زیرا با تجمیع انتخاب های فردی، نمی توان به یک انتخاب اجتماعی در اقتصاد رفاه رسید (قضیه عدم امکان ارو). یکی از مهمترین ویژگی های علم، عینی بودن آن است. معمولاً عینی بودن علم به معنای فارغ از ارزش بودن آن است. علم اقتصاد خرد نیاز به گزاره ای جهان شمول، عینی و نیز مبتنی بر روش شناسی رئالیسم (واقع گرایی) دارد. این گزاره ریشه در مفهوم انرژی در علم فیزیک دارد. زیرا ویژگی های موارد ذکر شده فوق را دارد و مهمتر از همه یک مفهوم عینی است که مابازای خارجی دارد. به عبارتی دیگر انرژی، عینیت دارد، اما مطلوبیت ندارد. برای کالا می توان دو نوع ارزش در نظر گرفت: ارزش مصرفی و ارزش مبادله ای. آن ارزشی که در بازار اهمیت دارد ارزش مبادله ای (بازاری) است. از نگاهی دیگر ماهیت کالا، انرژی است. به عبارتی ارزش مصرفی در کالاها همان نوع انرژی کالاهاست. یعنی تفاوت کالاها با یکدیگر در نوع انرژی است. در نتیجه مفهوم کلی انرژی همان مفهوم کلی ارزش مبادله ای است. به عبارتی فصل مشترک حقیقی کالاها در علم اقتصاد همان انرژی (ارزش مبادله ای) است. لازم به ذکر است حتی در صورت فرض کردن این موضوع هیچ خللی به کلیت بحث وارد نمی شود. اما گزاره ی : کالا چیزی است که دارای انرژی است. یک گزاره ی منطقی و جهان شمول است. همین نکته مجوز استفاده از انرژی به جای مطلوبیت را می دهد. نکته ی ظریف پول در این تحلیل و الگو این است که پول انرژی ندارد. زیرا پول کالا نیست. بلکه نهاد عمومی است. به طوری که ارزش حقوقی دارد نه ارزش حقیقی. به عبارتی مصرف کنندگان پول را می خواهند به خاطر این که می توانند به وسیله ی آن انرژی خود را افزایش دهند. اما چون خود پول انرژی ندارد هیچ وقت آن را کنز نمی کنند. همین نکته برتری مدل انرژی به جای مطلوبیت است. حال مدل اقتصاد

خرد با این تغییر فرض بنیادین را تحلیل می شود. حال مصرف کننده ای را در نظر بگیرید که دو کالا را مصرف می کند و می خواهد انرژی خود را حداکثر نماید (بیشنه کردن انرژی به جای بیشنه کردن مطلوبیت):

یعنی:

$$\max E = E(X, Y)$$

$$S.T P_X X + P_Y Y = M$$

حال اگر معادله لاگرانژ را تشکیل دهیم:

$$L = E(X, Y) + \lambda(M - P_X X - P_Y Y)$$

آن گاه شرایط تعادلی طبق شرط مرتبه ی اول به صورت زیر خواهد بود:

$$1. M = P_X X + P_Y Y$$

$$2. \frac{ME_X}{ME_Y} = \frac{P_X}{P_Y}$$

مفاهیم مطلوبیت نهایی کالاها به انرژی نهایی کالاها تغییر پیدا می کند.

نکته ای که در این مقاله روی آن تاکید می شود و بسیار برای ما اهمیت دارد انرژی نهایی پول می باشد:

یعنی:

$$\lambda = \frac{\partial E}{\partial M}$$

توجه داشته باشید که با تغییر از مطلوبیت به انرژی:

ضریب لاگرانژ از مطلوبیت نهایی پول به انرژی نهایی پول، تغییر پیدا می کند.

نکته ی بسیار دقیق و ظریفی که از این معادله استخراج می شود، این است که:

**انرژی نهایی پول، همیشه صفر است. زیرا انرژی پول همیشه صفر است.** به عبارتی مصرف کننده هیچ وقت پول کنز نمی کند (هیچ گاه بازار پول تشکیل نمی گردد). زیرا پول انرژی ندارد. این تغییر فرض نتایج گسترده ای به دنبال دارد. مهمترین نتیجه ای که این تحقیق دارد این است با توجه به این که انرژی یک مفهوم کلی است و نیز واحد اندازه گیری انرژی ژول است. لازم و واجب است واحد پول تمام کشورهای جهان به ژول تغییر نماید (حذف بازار ارز). چون این نظریه جهان شمول است. به خاطر کلی بودن مفهوم انرژی.

نتایج بنیادین در این حالت به صورت زیر می باشد:

۱- در حالت کلاسیک، پول واحد اندازه گیری مطلوبیت است. اما در مدل رقیب، ژول، واحد اندازه گیری انرژی (ارزش مبادله ای کالاها) است.



۲- در حالت کلاسیک، مطلوبیت نهایی پول می تواند صفر نباشد، اما در مدل رقیب، انرژی نهایی پول، همیشه صفر است.

۳- در حالت کلاسیک، ممکن است مصرف کننده پول را کنز کند(کالا نخرد)، اما در مدل رقیب، پول هیچ گاه کنز نمی شود، زیرا انرژی پول صفر است.

۴- در حالت کلاسیک، خود پول هم مطلوبیت(غیر مستقیم) دارد، اما در مدل رقیب، پول انرژی ندارد(چون پول کالا نیست).

۵- در حالت کلاسیک، با تجمیع انتخاب های فردی، نمی توان به یک انتخاب اجتماعی در اقتصاد رفاه رسید، اما در مدل رقیب، با تجمیع انتخاب های فردی، می توان به یک انتخاب اجتماعی در اقتصاد رفاه رسید. زیرا جمع، یک جمع عینی است، نه ذهنی.

فقط در این حالت برای حفظ ارزش ژول در طی زمان و نیز تامین پول مورد نیاز عاملین اقتصادی برای فرایند مبادله لازم است که یک منبع عمومی از ژول تشکیل داد. به طوری که مالکیت این منبع عمومی متعلق به تمامی نسل هاست. در نتیجه ارزش ژول در طی زمان حفظ می شود. به عبارتی قیمت ها در علم اقتصاد از نسبی به مطلق تبدیل می شوند.

## منابع

- آقا نظری حسن: تبیین چپستی نهاد و استلزامات آن در علوم اجتماعی: مجله روش شناسی علوم انسانی ۱۳۹۵
- آقا نظری حسن: بررسی فقهی-حقوقی شخصیت حقوقی: مجله ی حقوق اسلامی ۱۳۹۶
- آقا نظری حسن: مالکیت حقوقی نهاد های مالی (شخصیت حقوقی نهادهای مالی): مجله ی اقتصاد اسلامی ۱۳۹۰
- آقا مهدوی اصغر و حبیبیان و مهدی: بررسی اهلیت شخص حقوقی در فقه و حقوق: دوفصلنامه علمی- تخصصی پژوهشنامه - فقهی ۱۳۹۳
- بوذری نژاد یحی: منشأ حیات اجتماعی از نظر علامه طباطبایی: مجله ی ظریه های اجتماعی متفکران مسلمان زمستان ۱۳۹۱
- پایا علی و منصور ی علیرضا: رابطه فلسفی علوم انسانی و تکنولوژی: مجله ی روش شناسی علوم انسانی ۱۳۹۸ -
- پور حسن قاسم: اعتباریات اجتماعی و نتایج معرفتی آن؛ بازخوانی دیدگاه علامه طباطبائی مجله ی حکمت و فلسفه زمستان ۱۳۹۲
- سبحانی ، حسن و قایمی نیا ، علی اصغر چپستی پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) ، مجله اقتصاد اسلامی شماره ۶۳-۱۳۹۵
- رضانی علی: نظریه ی استخدام و خاستگاه ارزشی عدالت از دیدگاه علامه طباطبایی(ره) مجله ی حکومت اسلامی پاییز ۱۳۹۲
- توتونچیان، ایرج(۱۳۷۹)، "پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری"، عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا (س) جوانشیر، ف. م. (۱۳۵۷)؛ اقتصاد سیاسی شیوه تولید سرمایه داری؛ انتشارات حزب توده ایران -
- سوئیزی، پل (۱۳۵۸)؛ نظریه ی تکامل سرمایه داری؛ ترجمه حسن ماسالی؛ انتشارات نکاپو -
- سبحانی ، حسن و قایمی نیا ، علی اصغر: چپستی پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) ، مجله - اقتصاد اسلامی شماره ۶۳
- حسینی شبگیر: نظریه ی مارکسیستی ارزش و سه برهان آن: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹ • اقتصاد و -
- <http://problemicaa.com/the-theory-of-surplus-value/>جامعه

حسینی سید عقیل؛ تحلیل تطبیقی رویکردهای سوژکتیو و ابژکتیو به مساله ارزش در اقتصاد: مجله اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بهار و تابستان ۱۳۹۱

حسینی، سیدعقیل، رنای، محسن (۱۳۹۰)، نقد و روش سنای اقتصاد فیزیک و کاربرد آن در تحلیل نظام توزیعی سرمایه‌داری، فصلنامه اقتصاد تطبیقی، ۷

حبیب انصاری سامانی علی رضا پورفرج، مسعود زارع، عباس امینی: مقدمه ای بر اقتصاد رفتاری: مفهوم، روش شناسی و شیوه های استخراج ترجیحات: مجله اقتصاد تطبیقی ۱۳۹۴

رضائی علی: معنای «حق» در نگاه اندیشمندان اسلامی: مجله معرفت حقوقی ۱۳۹۰

رحمانی تیمور: اقتصاد کلان: انتشارات برادران سال ۱۳۸۰

-دهقانی علی معصومه احیایی، دکتر بیژن صفوی: بررسی رابطه بین کسری بودجه، تورم و عرضه پول در ایران پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کارشاپا: ۲۰۰۸ - ۱۳۹۶ سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۳۱ تا ۴۱

رهبان فرهاد متوسلی محود و امیری میثم: اقتصاددانان رفتاری و نظریه های آنها: مجله برنامه و بودجه ۱۳۹۲

زاهدی وفا محمد هادی و باقری علی: تحلیلی بر نظریه ارزش و توزیع در اقتصادنا. مجله مطالعات اقتصاد اسلامی پاییز و زمستان

، جان وایلی و پسران، Finding the Value of Intangibles in Business: داگلاس هابرد چگونه هر چیزی را اندازه بگیریم ۲۰۰۷

فیروزی مهدی: بررسی فقهی و حقوقی عدالت به عنوان مبنای حقوق نسل های آینده: مجله ی فقه شماره ۴ زمستان ۱۳۹۹

علی اصغر ابوالحسنی هستیانی و جهانگیر بیابانی و ابوالقاسم اثنی عشریامیری: چیستی پول در اقتصاد اسلامی: مجله اقتصاد اسلامی ۱۳۹۲

مارکس، کارل (۱۳۹۴): سرمایه، نقد اقتصاد سیاسی مجلد اول؛ ترجمه حسن مرتضوی؛ انتشارات لاهیتا

مرتضی مرتضوی کاخکی<sup>۳</sup> محمدحسین مهدوی عادل علی اکبر ناجی میدانی محمدحسین حسینزاده بحرینی: دورکین و مسائل

عدالت بین نسلی: درآمدی بر نظریه برابری در منابع بین نسلی دوفصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش سیاست نظری ۱۳۹۶

مندل، ارنست (۱۳۵۸): تئوری مارکسیستی اقتصاد مجلد اول؛ ترجمه مرتضی سیاهپوش؛ چاپ کاویان-

مندل، ارنست (۱۳۸۶): اقتصاد سیاسی؛ ترجمه کمال خالق پناه؛ نشر گل آذین-

میک، رونالد (۱۳۵۸): پژوهشی در نظریه ارزش - کار؛ ترجمه م. سوداگر؛ موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند-

نوشین، عبدالحسین (۲۵۳۶): اصول علم اقتصاد؛ نشر نوپا-

نیکی تین، پ (۱۳۸۷): مبانی اقتصاد سیاسی؛ ترجمه ناصر زرافشان؛ انتشارات آگاه-

طالبی محمد حسین: دانش فلسفه حق در اندیشه آیتا الله جوادی آملی: حکمت اسرا ۱۳۹۴

معرفی محمدی، عبدالحمید: روش شناسی علم اقتصاد و مسئله رئالیسم: مجله ی روش شناسی علوم انسانی : تابستان ۹۷ شماره ۱۳۹۵

معرفی محمدی، عبدالحمید: اقتصاد اعتباریات و مسئله اخلاق: مجله ی معرفت اقتصاد اسلامی بهار و تابستان ۱۳۹۸

معرفی محمدی، عبدالحمید و حسینی سید عقیل: مسئله عینیت در اقتصاد اسلامی: مجله ی مطالعات اقتصاد اسلامی: بهار و تابستان ۹۸

-مشهدی احمد محمود: معنا و مفهوم نهاد در اقتصاد نهادگرا نگاهی به اختلافات موجود بین نهادگرایی قدیم و جدید و نقش نهادها در مناسبات اقتصادی : فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی): ۱۳۹۲

هادوی نیا ، علی اصغر: مبانی نظری ساختار مالکیت از دیدگاه قران: مجله اقتصاد اسلامی: شماره ۳-۱۳۸۲

هندرسون و کوانت(ترجمه ی دکتر جمشید پژویان): اقتصاد خرد پیشرفته: ۱۳۹۱

محمدی . علیرضا: فیزیک اقتصاد و کاربرد آن در حل مسایل اقتصادی و رهیافت توسعه آن: اولین کنفرانس بین المللی در کسب و کار-

یوسف زاده حسن: نظم اجتماعی در اسلام: مجله معرفت ۱۳۸۵ شماره ۱۰۳

Anglin, P. M. (2005). 'Econophysics of Wealth Distribution', *Econophysics of Wealth Distributions*, Chatterjee, A. et al. (ed), Springer.

Aruka, Yuji and Jurgen Mimkes (2005). 'Carnot Process of Wealth Distribution', *Econophysics of Wealth Distributions*, Chatterjee, A. et al. (ed.), Springer.

Beinhocker, Eric D. (2006). *The Origin of Wealth: Evolution, Complexity, and the Radical Remaking of Economics*, Massachusetts: Harvard Business School Press.

Ben-Naim, arieh (2007). *Entropy Demystified: The Second Law Reduced to Plain Common Sense*, London: World Scientific.

Bennewitz, J. (2007). 'Application of the Main Laws of Thermodynamics on Economy', *Social Science Research Network*.

Burkett, Paul (2006). 'Marxism and Ecological Economics', in *Toward a Red and Green Political Economy*, Leiden: Brill.

Cleveland, Culter, Ch. Hall and R. Kaufmann (1984). *Biophysical Economics*, New York: Wiley.

Chakraborti, A. (2002). 'Distributions of Money in Model Markets of Economy', *International Journal of Modern Physics*, C. 13.

Chakraborti, A. and B.K.Chakraborti (2000). 'Statistical Mechanics of Money: Effects of Saving Propensity', *European Physics Journal*, B. 17.

- Chatterjee, A., Sandhakar Yarlagadda, and Bikas K. Chakrabarti (ed.) (2005). *Econophysics of Wealth Distributions*, Springer.
- Clementi, F., M. Gallegati (2005). 'Power Law Tails in the Italian Personal Income Distribution', *Physica, A*. 350.
- International Vocabulary of Metrology – Basic and General Concepts and Associated Terms (VIM) (PDF) (3rd ed.). International Bureau of Weights and Measures. 2008. p
- Rabinson, Joan (1962), *Economic Philosophy*, London: C. A. Watts.
- Ricardo, David (1821/ 1951), *On the Principles of Political Economy and Taxation*, London: John Murray.
- Robbins, Lionel (1935), *An Essay on the Nature and Significance of Economic Science*, London: MacMillan.
- Samuelson, Paul A. (1976), *Economics*, New York: McGraw-Hill.
- Sen, Amartya (1987), *On Ethics and Economics*, Oxford: Blackwell Publishing.
- Shackle, G. L. S. (1973), *The Marginal Revolution in Economics: Interpretation and Evaluation*, *Marginalism: The Harvest*, R. D. Collison Black, A. W. Coats, and Craufurd D. W. Goodwin (eds.), Durham, North Carolina, Duke University Press.
- Smith, Adam (1922 [1776]), *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, Edwin Cannan (ed.), London: Methuen.
- Sraffa, P. (1960), *Production of Commodities by Means of Commodities: Prelude to a Critique of Economic Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Steedman, Ian (1977), *Marx after Sraffa*, London: New Left Books